

## مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۰

### پیوند آناهیتا و ایشتر بابلی \*

دکتر بهزاد معینی سام

استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان

زینب خسروی

کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان های باستانی ایران

#### چکیده

ایزدبانو در فرهنگ های مختلف باستانی دارای اهمیت فراوان است. کشف پیکرک های گلی الهه باروری از محوطه های مختلف باستانی دال بر این موضوع است. آناهیتا از ایزد بانوان کهن ایرانی است. در گاهان نامی از این ایزدبانو نیامده است، اما در اوستای متأخر، یشت پنجم متعلق به اردوی سورا آناهیتا است. گرچه آناهیتا ویژگی های مشابهی با ایزدبانوی هندی سرسوتی دارد، اما صفات آناهیتا در آبان یشت و هم چنین آثار برجای مانده چون تندیس های این ایزدبانو بازگو کننده تاثیر فراوان ایزدبانوی بابلی ایشتر در شکل گیری شخصیت آناهیتا در اساطیر ایرانی است. در این مقاله ویژگی های مشترک بین دو ایزد بانوی ایشتر و آناهیتا و تاثیر ایزدبانوی ایشتر بر شخصیت آناهیتا براساس منابع اساطیری، تاریخی و باستان شناسی بررسی شده است.

#### واژگان کلیدی

آناهیتا، ایشتر، ایزدبانو.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: zeynab\_khosravi@yahoo.com

## ۱- مقدمه

تعداد کثیر پیکرک های الهه باروری که در نواحی مختلف فرهنگ های باستانی کشف شده است، نشان دهنده اهمیت این الهه در فرهنگ های باستانی است. براساس وظایفی که زنان در جوامع باستانی برعهده داشته‌اند، نقش زنان بسیار پررنگ جلوه می‌کند. در فرهنگ آسیای غربی همزمان با آغاز کشاورزی شاهد سلطه زن بر آن جامعه هستیم. در آن اعصار، نقش مرد در جامعه فروتر از نقش زن بود، حتی باروری را عمدتاً بر اثر فرود آمدن بادی زندگی بخش بر زن می‌دانستند؛ و وراثت از سوی مادر بود (بهار، ۱۳۷۸: ۳۹۶).

در ناحیه هلال اخضر که شامل بین النهرین، آناتولی، ایلام و کوه های زاگرس است، آثار اولین تولیدات کشاورزی وجود دارد، به وفور پیکرهای الهه باروری به دست آمده است. یکی از کهن ترین پیکرک های این الهه ونوس سراب است که از منطقه غرب ایران در تپه سراب کشف شده است. پیکرک گلی زنی نشسته با باسن و سینه های فربه که تأکیدی است بر جنبه باروری، این ایزدبانو متعلق به ۹۰۰۶-۶۹۸ ق.م است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۴۷). این الهه ها غالباً سینه های خود را به نشانه مائده آسمانی در دست دارند (گویری، ۱۳۷۲: ۳).

در جامعه باستانی مثل بعضی از جوامع روستایی امروزی آب از سرچشمه آوردن وظیفه زن بوده است و اگر مردی به چشمه برود، مثل این بوده که به زنی تجاوز کرده است. این موضوع ویژگی مشترکی است که آب و زن را به هم پیوند می‌دهد. آب پاک است و نماد بکارت است، پس مرد نمی‌تواند به حریم چشمه وارد شود. در واقع پاکی و همیشه باکره بودن که از صفات اناهیتا است، تا حدی برخاسته از این وظیفه زن است (بهار، ۱۳۷۷: ۲۸۰). اناهیتا با آب پیوند بسیار نزدیکی دارد؛ به طوری که معابد اناهیتا را در کنار چشمه یا رود می‌ساخته‌اند. آب مهمترین عنصر در شکل گیری مدنیت است، انسان بدوی در کنار رودها ساکن می‌شود و برخی از رودها چون رود گنگ در ذهن انسان باستانی تقدس می‌یابد (قریشی، ۱۳۸۰: ۱۰۴) و برخی از رودها به ایزدی چون ایزدبانوی سرسوتی در هند باستان تشخیص می‌یابد (ایونس، ۱۳۷۳: ۱۵۷).

همان‌طور که زن زاینده انسان است، آب نیز زاینده تمدن و یکجانشینی است. آب که مهم‌ترین عنصر برای ادامه زندگی است، با الهه‌های باروری که نشان‌دهنده اهمیت نقش زن در جوامع باستانی است، ارتباط می‌یابد. زنانی که وظایف آن‌ها زایش انسان بوده و این امر مقام زن را در حد یک الهه ارتقا می‌دهد و وظایفی دیگر چون کشاورزی و آب آوردن از سرچشمه توسط زن بر اهمیت او می‌افزاید.

## ۲- آناهیتا

دانشمندانی چون دومزیل و لومل هر یک جداگانه نشان داده اند که آناهیتا مترادف ایرانی ایزدبانوی سرسوتی است و هر دو از یک ایزدبانوی هند و اروپایی شکل گرفته اند (گیمن، ۱۳۸۱: ۲۳۶).

در وداها سرسوتی ایزدبانوی آب و رودی است با همین نام که از هیمالیا و سرزمین کهن آریایی به جانب غرب سرازیر می‌شود. در روزگار کهن این رود و ایزدبانوی آن به دلیل پاک‌کنندگی، باروری و قدرت حاصلخیزی و زلالی و جاری بودن به دریا مورد تکریم قرار داشت (ایونس، ۱۳۷۳: ۱۵۸). برخی بر این عقیده اند که اردوی در اصل سرسوتی بوده است که در هند به رودخانه مقدسی در ناحیه پنجاب کنونی اطلاق می‌شود؛ اما در ایران به صورت هرخوتی (رخود یا رخج) درآمد که ناحیه ای پررودخانه و دریاچه ای در افغانستان کنونی به این نام خوانده می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۰: ۷۱). برخی نیز بر این عقیده اند که اردوی سورا آناهیتا خدای مادینه رود سیحون است (نیرگک: ۱۳۸۲: ۲۷۶).

دومزیل برای جوامع هند و اروپایی سه خویشکاری اجتماعی و دینی را مطرح کرده است که سه جنبه فرمانروایی، رزم آوری و تولید اقتصادی را دربر می‌گیرد. او اوشوین‌ها و الهه سرسوتی را در هند مسئول تولید و برکت بخشی می‌داند و آن را با آناهیتا ایرانی مقایسه می‌کند (بهار، ۱۳۷۵: ۲۲). اگرچه آناهیتا در صفات اولیه خود شباهت بسیاری با ایزدبانوی هندی سرسوتی دارد و نام سه جزئی اردوی سورا آناهیتا «مرطوب، نیرومند، بی‌گناه» به روشنی به سه کاربرد برکت بخشی، رزم آوری و روحانی اشاره دارد (گیمن، ۱۳۸۱: ۲۳۶)، اما

شخصیت آناهیتای ایرانی به شدت تحت تاثیر ایشتر بابلی شکل می‌گیرد و این به دلیل تاثیر گسترده‌ای است که فرهنگ آسیای غربی بر نواحی مختلف جوامع باستانی داشته است (بهار، ۱۳۷۵: ۲۸). آناهیتا از ایزدبانوان کهن ایرانی است. نام این ایزدبانو در اوستای گاهانی نیامده، اما نام آناهیتا در اوستای متاخر به صورت arədvī sūrā anāhitā آمده است (بند ۱، آبان یشت).

arədvī- نام یک رود اسطوره‌ای است (Bartholomae, ۱۹۰۴: ۱۹۴)، sūrā- به معنی توانا (همان منبع، ۱۵۸۴) و anāhitā- به معنی نیالوده، پاک (همان منبع، ۱۲۰) است. در نام اردوی سورا آناهیتا سه جنبه اسطوره‌ای نهفته است؛ یعنی تشخیص رود به یک ایزد، توانایی ایزد چون انسان و این که آناهیتا برگرفته از یک عنصر طبیعی (آب) است، جزء ایزدان طبیعت است.

یشت پنجم متعلق به آناهیتا است. آناهیتا در آبان یشت این گونه توصیف شده است: "اردوی سورا دارنده هزار دریاچه و هزار رود است. آناهیتا دوشیزه‌ای جوان، زیبا، برومند، راست بالا، آزاد است و گوشواره و گردنبندی از طلا و جامه‌های گرانبهای پرچین و تاجی با یکصد گوهر بر سر دارد.

اردوی سورا در امر زایش به زنان یاری می‌دهد. آناهیتا دارای بازوان زیبا و سپید به ستبری کتف اسب که به زیورهای باشکوه آراسته است. او دارای گردونه است و برسم به دست گرفته است.

اردویسورا آناهیتا لباسی از پوست بیدستر دارد. آناهیتا کسان را که به او پیشکش کنند، کامروا می‌سازد. پهلوانانی چون فریدون، گرشاسب، کاووس، کیخسرو، توس، جاماسب و ... و حتی ضحاک و افراسیاب نیز برای این ایزدبانو قربانی می‌کنند تا آناهیتا به آنها یاری برساند (آبان یشت، بندهای ۴، ۶۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۷، ۱۱، ۹۸، ۱۲۹، ۱۷ تا ۴۷).

### ۳- ایشتر

در فرهنگ آسیای غربی ایزدبانویی نیرومند و پر قدرت وجود دارد که بازمانده الهه مادر قدیم است و مظهر باروری، عشق و جنگ است (بهار، ۱۳۷۵:

۳۲). اینان در فرهنگ سومری که خدای شهر اروک بود (مورتگات، ۱۳۷۷: ۵)، ننه در عیلام (فرای، ۱۳۸۳: ۲۵۱)، در فرهنگ بابل در میان اقوام سامی این ایزدبانو ایشتر نامیده می شود و در آشور ایزد بانوی جنگ بوده است (گری، ۱۳۷۸: ۲۹ و ۳۴).

با آن که در افسانه های قدیم بین النهرین ایشتر با تموز جفت و همبر بود، ولی در دوره های بعد جفت مرگ گشت (ادی، ۱۳۸۱: ۱۸۰). سرشت دین خاور نزدیک در توجّه دگرگونی خدایان و بازتاب رشد و پژمردن فصلی گیاهان و توجّه به ماجرای مرگ و زندگی است. مراسم آئینی فصلی نزول سالانه تموز به جهان زیرین یادآور نزول ایزدبانوی حاصلخیزی ایشتر برای بازگرداندن معشوقه اش تموزی از جهان زیرین است. ایشتر برای ورود به جهان زیرین مجبور است تن پوش ها و زیورهای خویش را رها کند. زمین در غیاب ایشتر دچار مصائب بسیار می شود. پس نه آخدای آب ها و خرد و جادو بر آن می شود ایشتر را زنده باز گرداند. نه آخواجه ای می آفریند و خواجه را نزد ملکه جهان زیرین می فرستد.

گریزه ملکه جهان زیرین با دیدار خواجه برانگیخته می شود و شیدای او می شود و خواجه از دلدادۀ خویش خواستار نوشیدن آب از مشک آب حیات است. نوشیدن آب از این مشک به معنی رها شدن از جهان زیرین است. روایت نزول ایشتر به جهان زیرین با دادن فدیه و قربانی که ایشتر برای بازگشت به زمین باید پردازد، پایان می یابد. در این بخش از اسطوره به ناگاه خدای حاصلخیزی و دلدادۀ روزگار جوانی ایشتر یعنی تموز پدیدار می شود. با این همه از کیفیت رفتن تموز به جهان زیرین نشانی نیست و بدین میان اسطوره نزول به جهان زیرین و بازگشت او با پژمردن و رشد دیگر باره گیاهان پیوند می یابد (گری، ۱۳۷۸: ۵۳ و ۵۴).

#### ۴- پیوند آناهیتا و ایشتر

در اسطوره ایشتر و تموز به روشنی شباهت بین ایشتر و آناهیتا را می توان مشاهده کرد. آبان یشت مهم ترین سندی است که به ما این وجه شباهت را نشان

می دهد. آناهیتا در آبان یشت هم چون ایشتر در اسطوره اش ارتباط بسیار ملموسی با امر زایش دارد و هر دو ایزدبانوی آب هستند و هر دو با رویش و رشد گیاهان ارتباط دارند. هر دو تن پوش های زیبا و زیورآلات پوشیده اند. در فرهنگ آسیای غربی از ایشتر تندیس های فراوانی برجای مانده است. توصیفات آناهیتا در آبان یشت نیز این موضوع را در ذهن تداعی می کند که گویی سروده یشت تندیس از آناهیتا در پیش چشم خود داشته است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۵۰).

نام آناهیتا برای نخستین بار در کتیبه های اردشیر دوم در همدان و سارد ظاهر می شود. در کتیبه های اردشیر دوم آناهیتا در کنار مهر قرار می گیرد، اما نمی تواند مثل ایشتر زن مهر بشود. اگرچه در همه جا با مهر همراه است. در واقع همان اسطوره بین النهرینی ایشتر و مردوک را می بینیم آناهیتا خدای عشق، باروری و جنگ سه خویشکاری دارد- همان طور که مهر سه خویشکاری دارد- ولی نمی تواند چون ایشتر و تموز با هم ازدواج کنند؛ چون ازدواج ایزدان متعلق به مراحل ابتدایی ادیان است و در تفکرات دین ایرانی که دینی پیشرفته است، دیگر ازدواج ایزدان وجود ندارد. تا جایی که در گاهان اهورامزدا خدای یکتا است و در اوستای متاخر ایزدان هستند، اما مخلوق اهورامزدایند و صحبتی از ازدواج و زایش نیست. پس ما اصل بین النهرینی ایشتر و تموز را در رابطه ای با هم در ترکیب ایرانی آناهیتا و مهر می بینیم و خویشکاری های سه گانه آنها را هم می بینیم که باورهای یکتاپرستانه متکی بر وجود اهورامزدا مانع رسیدن آن دو به مقام ایزد یکتا و ازدواجشان با یکدیگر می شود (بهار، ۱۳۷۷: ۴۲۶، ۴۲۷).

در اسطوره ایشتر و تموز، تموز ایزد شهید شونده است. اگرچه در کنار آناهیتا، ایزد شهید شونده بین النهرینی وجود ندارد، اما شخصیت سیاوش در اسطوره سیاوش و سودابه بازتابی از ایزد شهید شونده بین النهرینی است. جالب توجه است که این تحولات و تبدیلات در ساخت اسطوره به آئین ایشتر بین النهرینی زیان نرسانده است، آئین های ایزد شهید شونده در اساطیر آسیای غربی و مدیترانه شرقی نیز بوده و هر ساله در آن جا عزاداری هایی عظیم در آغاز سال به راه می افتاده است (بهار، ۱۳۷۷: ۴۴۷، ۴۴۸). در عید نوروز که آغاز بهار سنتی بومی ایرانیان

است، نیز بازتابی از اسطوره ایشتر و تموز را می بینیم، هرچند نوروز با سنت ایرانی بزرگداشت فروشی ها در آمیخته است (بهار، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

برای ما تاریخ دقیق پیوستن ایزد بانوی آناهیتا به جمع خدایان اساطیری ایران دشوار است. براساس کتیبه های هخامنشی از دوران داریوش اول و خشایارشا اهورامزدا خدای بزرگ پادشاهان هخامنشی است که خدای دیگر توان برابری با او را ندارد (نیبرگ، ۱۳۸۲: ۳۸۷). هم چنین، زرتشت در گاهان بسیاری از ایزدان آریایی را کنار گذاشت، اما در کتیبه های اردشیر دوم شاهد حضور آناهیتا و مهر در کنار اهورامزدا هستیم. پرستش ایزدان آریایی مهر و آناهیتا و آئین های مربوط به آن ها در میان عامه مردم باستان جریان داشت و داریوش نمی توانست مردم را از پرستش ایزدانی چون آناهیتا و مهر باز دارد (ذاندامایف، ۱۳۵۲: ۳۱۹). هم چنین، ایشتر بابلی در زمان نخستین پادشاهان هخامنشی یک ایزد کاملاً محبوب نزد عامه مردم بود و دلایل زیادی وجود دارد مبنی بر این که این ایزد بر پارسیان تاثیر بسیاری به جای گذاشته بود (نیبرگ، ۱۳۸۲: ۴۱۳).

تاثیر فرهنگ آسیای غربی در میان عامه مردم ایران پیش از شکل گیری امپراطوری هخامنشی بوده است. با توجه به کتیبه های آشوری وجود نام شهری به نام (بیت ایشتر) در غرب ایران یا ماد مرکزی و هم چنین پرستش مردوک در نزدیک مرکز ماد اشاره به این نکته دارد (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۳۴۳).

علاوه بر ادامه عقاید عامه مردم ایران که پادشاهان توان مقابله با آن را نداشتند، ارتباط امپراطوری هخامنشی با بابل و حوادث تاریخی که رخ می دهد، باعث نفوذ ایزدبانوی قدرتمند در امپراطوری هخامنشی و حتی ادامه آن در دوران اشکانی و ساسانی می شود. گرچه کوروش و داریوش سیاست سازشگر نسبت به باورهای اقوام مغلوب خود را داشته اند، اما خشایارشا در تصرف بابل خدایان بابل را به رسمیت نشناخت و پرستشگاه بزرگ بابل را چپاول کرد و گنجینه مردوک را به غنیمت برد. با حذف ایشتر بابلی از باورهای عامه مردم نیازی به یک جانشین ایرانی برای این ایزد بانو بود. آناهیتا این خدای عشق که در اوستا وصفی زنده از او شده بود، برای این نقش ویژه مناسبتی داشت

(نیرگ، ۱۳۸۲: ۴۱۳). این حادثه برابر است با حادثه تاریخی دیگر در دربار خشایارشا، در داستان استر و مردخای، مردخای در آغاز داستان مقام عالی دارد، ولی بعد خوار می شود و زندگی اش در معرض خطر قرار می گیرد. در این میان استر که با شاه پارس ازدواج کرده است، به شفاعت مردخای بر می خیزد و موفق به نجات او می شود. همان گونه که در زمان سلطنت اردشیر اول، مردوک به بابل برگردانیده می شود و املاکش بدو مسترد می گردد. همان پادشاه استلی به افتخار ایستر در بابل برافراشت و احتمال دارد آبان یشت در این دوره سروده شده باشد. وجود استر در دربار پارس همزمان با افزایش اهمیت زنان بابلی در حرم سرای شاهان هخامنشی و نیز افزایش اعتبار اناهیتا به عنوان ایزد حامی شاهنشاهی پارس و از همه مهمتر اختلاط آئین او با آئین ایستر است. بعضی از انگیزه های داستان استر کاملاً به اندیشه هایی که در اساطیر بابلی راجع به مردوک و ایستر وجود دارد، شبیه است. پنهان شدن مردخای مانند مردوک در مقابل خطر مرگ و اندیشه نجات یافتن خدای مرد به دست "ماده خدای" بسیار رایج بود و بن مایه اساطیری متعدد بر فرهنگ های گوناگون شرق داشت (ادی، ۱۳۸۱: ۱۷۹ و ۱۸۰).

علاوه بر این، از اواخر دوران هخامنشی شاهد تحولاتی هستیم که می تواند تاثیر عقاید عامه مردم بر باورهای پادشاهان هخامنشی باشد (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۳۴۳). اردشیر دوم شاه نیمه بین النهرینی بود که پرستش ایزد بانوی طبیعت، اناهیتا را که با ایستر بابلی شباهت بسیاری داشت، در مملکت رواج داد (ادی، ۱۳۸۱: ۹۵). زمانی که اردشیر دوم از مهر و اناهیتا در کنار اهورامزدا نام برد، در واقع فرهنگ عامه مردم را دنبال می کرد (زهر، ۱۳۸۴: ۲۴۹)، اگر چه "هرتل" و "هرتسفلد" این طور تصور می کنند که پادشاهان متاخر هخامنشی مانند اردشیر دوم و سوم تحت تاثیر مغ ها از مذهب زردشت منحرف شدند (داندامایف، ۱۳۵۲: ۳۷۰). به هر حال، در اواخر دوره هخامنشی پرستش ایزدبانوی ایرانی اناهیتا، رواج یافت و می توان تصور کرد که مغان همراه این ایزد برای نظارت مناسک پرستش به بابل می رفتند (ادی، ۱۳۸۱: ۲۱). اردشیر دوم مجسمه هایی از اناهیتا را برای نخستین بار در شوش، بابل، هگمتانه، دمشق و سارد برپاداشت (همان منبع: ۴۶).



مهم ترین تاثیر ایشتر در شکل گیری شخصیت اناهیتا ساختن تندیس و معبد برای اوست. با توجه به این که بت پرستی در میان زردشتیان وجود نداشته است (داندامایف، ۱۳۵۲: ۳۲۱)، تندیس های اناهیتا و نقش برجسته های هرمزد، مهر و اناهیتا تحت تاثیر فرهنگ بین النهرینی به وجود آمده است (بهار، ۱۳۷۵: ۲۷). کریستین سن ذکر نام بابل را در بند ۲۹، آبان یشت قرینه ای می داند که این یشت در دوره هخامنشی تدوین نهایی یافته است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۵۱).

در نقوش برجسته های بین النهرینی و ایرانی شاهد نقش هایی هستیم که در ارتباط با اسطوره ایشتر و تموز و اناهیتا است. در بین النهرین هنگام برداشت محصول به رقص های دسته جمعی می پرداختند که مرتبط با اسطوره ایشتر است. ما این رقص ها را در نقوش سفال های سیلک و تپه موسیان می بینیم (توحیدی، ۱۳۷۹: ۸۱، ۱۲۰). بر روی دروازه ایشتر و بر روی ظروف مخصوص مراسم آئینی از وارکا تصویر جامعی از دسته های مذهبی و صف های طولانی اهدا کنندگان نذورات و حیوانات قربانی را نشان می دهد که در ارتباط با اسطوره ایشتر و تموز و جشن سال نو است (مورتگات، ۱۳۷۷: ۳۰۱ و ۲۶) که مشابه دسته های آورندگان هدیه بر پلکان تخت جمشید است. در بین النهرین بر روی مهرها، ظروف آئینی و تصاویر کاخ ها به خوبی نقوش مربوط به اسطوره ایشتر و تموز و نمادهای آن ها را می بینیم. تصویر اناهیتا را نیز بر روی مهرها و سکه های دوران هخامنشی داریم. در روی یکی از سکه های هخامنشی که در موزه ارمیتاژ است، اردشیر دوم دست هایش را به طرف "اناهیتا" که به لباس فاخری ملبس است دراز کرده است (داندامایف، ۱۳۵۲: ۲۲۱). در قبر صخره ای قیزقاپان در دهکده سورداشی نزدیک سلیمانیه عراق به نقش ایزدانی بر سنگ ها بر می خوریم که محتمل است نقش اناهیتا برابر ایشتر بین النهرینی و اهورامزدا و مهر باشد (فیروزمند، سرفراز، ۱۳۸۳: ۶۹ و ۷۰). و نیز نقش کاهنه خدمتگزار معبد ننه اناهیتا بر مفرغ های معبد سرخ دم در کوه دشت که مشغول رقص برای ریزش باران است. کاهنه ای در هر دست شاخه نخلی دارد (گویی، ۱۳۷۲: ۲۲). همان گونه که در آبان یشت آمده است اناهیتا نیز برسم به دست گرفته است. در فرهنگ بین

النهرینی نقش برجسته های درخت و نخل متعلق به اسطوره ایشتر است و با رویش گیاهان ارتباط دارد (مورنگات، ۱۳۷۷: ۳۰۱).

## ۵- نتیجه گیری

پیکرک های الهه باروری در تمام نواحی جهان به دست آمده است. این الهه ها در ارتباط با آب و رویش گیاهان هستند. بیشتر صفات این پیکرک ها به هم شبیه است و بعضی از صفات آن ها تحت تاثیر شرایط فرهنگی خاص هر قوم شکل گرفته است. ایزد بانوی آناهیتا در ایران نماد باروری، عشق و جنگ است. به دلیل اشتراک فرهنگی بین اقوام هند و ایرانی، آناهیتا در صفات اولیه خود با سرسوتی، الهه باروری هندی، ارتباط می یابد؛ اما از آن جایی که فرهنگ آسیای غربی گستره بزرگی را تحت سیطره خود در آورده است، شخصیت آناهیتا به شدت تحت تاثیر ایشتر بابلی قرار می گیرد.

تاثیر فرهنگ بین النهرینی بر مردم سرزمین ایران از دوران پیش از تاریخ آغاز شده بود. آئین ایشتر بین النهرینی در میان عامه مردم ایران رواج داشت، گرچه درگاهان و کتیبه های شاهان متقدم هخامنشی اهورامزدا خدای بزرگ بود، اما براساس ادامه باورهای عامه مردم ایران، اتخاذ سیاست های دینی متفاوت شاهان هخامنشی، تغییر عقاید شاهان متاخر هخامنشی، حوادث تاریخی در دربار و جامعه باستانی، تاثیر شدید فرهنگ بابلی در جامعه ایرانی و تاثیر عقاید عامه مردم بر شاهان متاخر هخامنشی، شاهد حضور ایزدبانوی قدرتمند در جامعه باستانی ایران هستیم که سرانجام، در کتیبه اردشیر دوم در کنار مهر و اهورامزدا ظاهر می شود و به احتمال زیاد آبان یشت نیز مقارن این دوران سروده شده است. تندیس و نقوش برجسته آناهیتا و ساخت معبد برای او نیز تحت تاثیر فرهنگ بین النهرینی شکل می گیرد. آناهیتا در آبان یشت هم چون ایشتر الهه تولید و برکت بخشی است و با آب، گیاه و زایش ارتباط دارد. پرستش آناهیتا در دوران اشکانی و ساسانی ادامه می یابد و امروزه نیز برخی از آئین های مربوط به الهه باروری را در بین اقوام مختلف می توان دید.

### کتابنامه

- ۱- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۵)، **تاریخ ایران باستان**. انتشارات سمت. تهران.
- ۲- ادی، سموئیل کند، (۱۳۸۱)، **آئین شهریاری در شرق**. ترجمه فریدون بدره ای. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- ۳- ایونس، ورونیکا، (۱۳۷۳)، **شناخت اساطیر هند**. ترجمه فرخ باجلان. انتشارات اساطیر. تهران.
- ۴- بهار، مهرداد، (۱۳۷۷)، **از اسطوره تا تاریخ**. به ویراستاری ابوالقاسم اسماعیل پور. انتشارات نشر چشمه. تهران.
- ۵- —، —، (۱۳۷۵)، **ادیان آسیایی**. انتشارات نشر چشمه. تهران.
- ۶- —، —، (۱۳۷۸)، **پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)**. به ویراستاری کنایون مزداپور. انتشارات آگاه. تهران.
- ۷- تفضلی، احمد، (۱۳۸۳)، **تاریخ ادبیات پیش از اسلام**. به کوشش ژاله آموزگاران. انتشارات سخن. تهران.
- ۸- توحیدی، فائق، (۱۳۷۹)، **فن و هنر سفالگری**. انتشارات سمت. تهران.
- ۹- داندامایف، م. آ، (۱۳۵۲)، **ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی**. ترجمه روحی ارباب. انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران.
- ۱۰- دوستخواه، جلیل، (۱۳۷۸)، **اوستا: کهن ترین سرودها و متن های ایرانی**. انتشارات مروارید. تهران.
- ۱۱- دیاکونوف، ا. م، (۱۳۴۵)، **تاریخ ماد**. ناشر پیام. تهران.
- ۱۲- رضی، هاشم، (۱۳۸۱)، **دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت**. انتشارات سخن. تهران.
- ۱۳- زهر، آر. سی، (۱۳۸۴)، **طلوع و غروب زردشتی گری**. ترجمه تیمور قادری. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- ۱۴- سرفراز، علی اکبر و فیروزمند، بهمن، (۱۳۸۳)، **باستان شناسی و هنر دوران ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی**. انتشارات عفاف. تهران.
- ۱۵- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۸۳)، **میراث باستانی ایران**. ترجمه مسعود رجب نیا. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- ۱۶- قرشی، امان الله، (۱۳۸۰)، **آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی**. انتشارات هرمس. تهران.
- ۱۷- گری، جان، (۱۳۷۸)، **شناخت اساطیر خاور نزدیک (بین النهرین)**. ترجمه فرخی باجلان. انتشارات اساطیر. تهران.

- ۱۸- گویری، سوزان، (۱۳۷۲) **آناهیتا در اسطوره های ایرانی**. انتشارات جمال الحق. تهران.
- ۱۹- دوشن-گیمین، جی، (۱۳۸۱)، **دین ایران باستان**. ترجمه رویا منجم. انتشارات نشر علم. تهران.
- ۲۰- مورتگات، آنتوان، (۱۳۷۷)، **هنر بین النهرین باستان**. ترجمه زهرا باستی و محمود رحیم صراف. انتشارات سمت. تهران.
- ۲۱- نیبرگ، ه.س، (۱۳۸۲)، **دین های ایران باستان**. ترجمه سیف الدین نجم آبادی. انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان. کرمان.
- ۲۲- Bartholomae, Chr, (۱۹۰۴), **Altiranisches wörterbuch**. Strassburg.
- ۲۳- Reichelt, H, (۱۹۱۱), **Avesta Reader**. Strassburg.

